

نیم نگاهی به عوامل وریشه های فلسفی و تاریخی بحران در افغانستان !

شهری است پُر کرشمه و خوبان زشش جهت . . . !

.. و چرا این خانه آتش گرفته است ؟



محمد امین فروتن

قسمت سوم

خلاصه ای از آنچه که در این نوشته مرور خواهید نمود

۱ : نگاه طبقاتی و غیر توحیدی به هستی و انسان ۲: تقابل دو گفتمان و دو قرنیت از مذهب و دموکراسی و عدم شناخت علمی از بحران ۳ : وجود مراجع متعدد قدرت در بدنه بیرونی و داخلی نظام ۴: فقدان مؤلفه های عدالت و برابری در استراتژی نظام حاکم بر کشور ۵ : ترویج علم پرستی انحرافی ۶: برداشت مغالطه آمیز از بحران و کاپی برداری نسخه های وارداتی ! ۷: بر خورد دوگانگی جامعه بین المللی با انگیزه تصادم منافع کشورها ی شامل در ائتلاف بین المللی ضد تروریسم در افغانستان !

و قتی تاریخ خونین افغانستان را ورق بزنی و اوضاع و احوال گذشته مردم و جامعه ما را با اوضاع و احوال کنونی مقایسه کنی یکی از چیزها و مسائلی که شاید به بسیاری جهات مورد توجه تان واقع گردد تغییراتی است که در کشور جنگ زده ما روی داده است و به قول دانشمندی صحبت از مردم و مرور بر تاریخ جامعه ای است که «نیمی از آن خوابیده اند و افسون شده اند و نیمی دیگر که بیدار شده اند در حال فرار اند . ما می خواهیم این خوابیده های افسون شده را بیدار کنیم و واداریم که " با یستند " و هم آن فراری ها را برگردانیم و واداریم که " بمانند " » تا آنگاهی که این خوابیده های افسون شده از خواب بر میخیزند و آن فرار داده شده ها بر میگردند و سکونت میگزینند ما با استفاده از فرصت قسمت گذشته این نوشتارگونه را که حاوی پیوند نامبارک دموکراسی مافیائی و فرآیند تجمل پرستی و تجدد بی ریشه را که بنام « مدرنیته و تجدد ریشه دار » بر تنه تنومند سنت و مذهب خرافی در افغانستان نمو

می کنند به یک جمع بندی عمومی به اتمام برسانیم. از آنجائیکه ماده سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان که بتاريخ ششم دلو ۱۳۸۲ از سوی حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح گردیده است حکم میکند که « در افغانستان هیچ قانون نه میتواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد. » در زمینه حقوق سیاسی و مدنی شهروندان و حقوق انسانی نیز در شرائطی که دموکراسی و آزادیهای مدنی و سیاسی در پارادایم و الگوی انسان معاصر جای گرفته و حق تعیین سرنوشت با عقلانیت سیاسی بشر در هم آمیخته است تمسک به الگوهای نظیر « خلافت » و گفتمان اقتدار گرا که در پرتوماده سوم و سائر مواد مندرج قانون اساسی افغانستان رابطه حکومت با جامعه را به « رابطه حق و تکلیف » تبدیل میسازد و دولت قیم سالار را با شیوه های مافیائی و یک تعامل نا متعارف به عنوان « دولت اسلامی افغانستان » حاکم میکند و شیوه تعیین سرنوشت مردم سالارانه در جامعه را هرچند بصورت مجهول و با کمک خواستن از اصل « تقیه مذهبی » و با ارائه منطق ناقص و معیوب یک امر غیر دینی، کافر مآب، وارداتی و غیر شرعی محسوب میکنند. قابل یاد آوری است که این گفتمان متحجرانه مذهبی که در نوشتارهای قبلی ای که از این قلم به جامانده است بنام « گفتمان طالبانی » یاد کرده ام در همه حوزه های زندگی بالخصوص در چهار بخش عمده اعتقادات، عبادات، اخلاق و معاملات یعنی (سیاست، اقتصاد، حقوق) انگاره های ثابت، جامد و دگم را به عنوان انگاره های دینی خدشه ناپذیر عرضه میکنند که برای انسان، خردگرایی، علم و تجربه بشری هیچگونه اعتباری قائل نیست. در این گفتمان جایگاه و مقام شریعت جامد و مطلق است، درپرتو این اسلوب انسان و جامعه دینی، انسان و جامعه ای است که خود را محصول « رجال » گذشته و انسان و عقل ماضی به شمار آورد و اسلام تاریخی را به عنوان تنها و تنها قرائت حقانی و جازم می پذیرد. جالب و شگفت انگیز است که از یکسو برخی از چهره های کهنه کار مذهبی که همین گفتمان متحجرانه به ظاهر دینی را نسل به نسل و سینه به سینه منتقل ساخته اند در سیستم « شبه دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد » که توسط برخی از نامدارترین نظریه پردازان و مهره های رژیم مافیائی حاکم بر جامعه ما تحلیل و تفسیر میگردد، تنها وجه مشترک شان رسیدن به "ثروت" و "شهرت کاذب" است که از دیرزمان بدین سو غایه و هدف اصلی هردو گروه اعم از « شبه روحانیون مذهبی و درباری و کسانی که عباى روشنفکری سیکولار » را برتن کرده اند میباشد و جالب آنجاست که این دوگروه به مثابه باندهای مافیائی که بر تاریخ و ارزشهای فرهنگی جامعه و مردم ما چنگ انداخته اند یکجا و یکسان عمل میکنند.

کثرت اهرم های « شبه قدرت » در بدنه بیرونی و داخلی نظام حاکم !

و افغانستان در محراق بازی این قدرت ها !

آنگاهی که عوامل و ریشه های فلسفی و تاریخی بحران در جامعه افغانی را بررسی می کردیم، ناگهان یک پرائنتزی با "هزار و یک عیب !" باز شد که عامل بسیاری از ناهنجاریها ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشور ما افغانستان شده است. لہذا بعضی از تحلیل گران عزیزى که پشه را در هوا نعل می فرمایند در طی این مسیر طولانی و دست کم

یک دهه عمری که از « نظام مبارکه مافیائی !! » در افغانستان سپری میشود صدها و بلکه هزاران ((سوال)) در مقابل شان سبز شده و اکنون نیز آن همه پرسش ها که تازه در ذهن تحلیل گران آستن شده بود به زردی گرائیده است . این وضعیت نشان میدهد که چگونه **اتومسفیئر** تحلیل های تحلیل گران و کارشناسان شماره اول کشور ما روبه نزول گرویده است ؟ و از همان روزو لحظه ای که ملتفت شدیم کشور ما بصورت سربسته با تمامی افتخارات تاریخی و فرهنگی ای که در امتداد یک عمری از زندگی با قیمت خون کسب کرده بودند و مانند مردمک چشم از آن نگرهبائی میکردند ، در زیرپاهای **فیل** « ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم و القاعده » پامال و نابود میشوند براوج از این مصیبت عظیم پی بردیم و دیدیم و هر روزی بینیم که میهن تاریخی و آبائی ما منجلابی از بدبختی ها و مصیبت های است که در آن عزیزترین ارزشها و مفاخرارجمند جامعه ما فرود میروند و به امر و دستور دلالان شرکت های چند ملیتی از راه دور مدیریت میشوند ؛ در کشاکش چنین بازی فریبنده ای از اهرم های قدرت هنوز هم جای این سوال باقی است که مگر اداره کنونی مافیائی حاکم برشهرکابل خود را دولت دموکراتیک و منتخب مردم با « **پسوند اسلامی** » در افغانستان نه می خوانند ؟ و روشنفکران و تحلیل گرانی که اوضاع تار و تاریک جامعه افغانی را با ضرب زبانی ها و منطق معیوب « بنی اسرائیلی » توجیه می فرمایند در برابر چنین پارادوکس و تضاد چه پاسخی دارند ؟ لابد از فرط گرفتاریها و مشاغل شریف مافیائی ! فرصت نکرده اند تا با مردم سلحشور افغانستان درد دلی بکنند که سایه کدامین مافیاً بر سر آنها ست و آنها در ظل جاویدانی کدامین حکومت آسوده و مرفه ! نشسته اند ؟ بدون شک یکی از مصائب اصلی و دردناک سیستم بوروکراتیک اما « **کثرت گرایی** » کنونی که برزمین و فضای افغانستان حاکم است همین کثرت و تراکم مرئی و نامرئی مراکز قدرت در جامعه اند که بصورت خود جوش و اهلی ناشده !! بریستر تاریخی بویژه پس از حادثه یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ ، بر فرهنگ و اقتصاد جامعه افغانی نمو کرده و به چنین شکل کریهیی از مناسبات اجتماعی و سیاسی سر بلند کرده است ؛ لهذا میتوان گفت به همان اندازه که در زندگی معاصر مردم و جامعه ما وجود نفرت های مذهبی ، تعصب های کور ، ضعف ها و زبونی های انسان گش و نفی کننده آزادی و اراده و مسؤولیت انسانی شهروندان که با دریغ و تأسف در عملکردهای بسیاری از زمامداران چاپلوس و طماع جامعه ما به مشاهده میرسند نقش منهدم کننده را دارا اند ، تراکم وجود مراکزگوناگون شبه قدرت در جامعه و کشور ما نیز در انهدام و ویرانی ساختار ها و بنیاد های اصلی جامعه و تمدن ما نقش بازی میکنند . جالب این است که همین مهره های سراپا ذوب شده در ولایت « دموکراسی لبرال » و « شبه مذهبی » غرب نیز به شمول آنانیکه در آنسوی مرز مشغول ریاضتی از جنس مافیائی اند و با ژست مراقبه گونه بنام کوه ها و مغاره ها از استراحتگاه های مفشن بیگانه گان برای توجیه و تفسیر اهداف و استراتژیی آنها بیانیه صادر میکنند و خواب های گنجاره ای را می بینند از اعتماد کلی بهره مند نیستند ، مسلماً و هرگز شبکه های اطلا عاتی و امنیتی غرب و کشور های منطقه عاشق چشم و ابروی مهره های بومی خود نبوده اند ، هرکه بتواند نوکر خوبی باشد مطلوب و مقبول شبکه های استخباراتی و امنیتی است . زیرا تاریخ خونین سه دهه زندگی پُر طلاطم افغانها و بازی بزرگ قدرت های صنعتی در جغرافیای افغانستان دست شبکه های اطلا عاتی و امنیتی دنیا را بصورت واضح باز گذشته اند و در درون کشور نیز « شاه و شاه فلی » فراوان است ، با

درد و دریغ این همان واقعیت تلخی است که ما در کشور افغانستان شاهد آن هستیم . نکته مهمی که در این مورد باید گفت مسأله استقرار نیروهای نظامی نیروهای ائتلاف ضد تروریسم است که با دقت و ارزیابی منافع کشور های شان در ولایات مختلف افغانستان جابجا شده اند ، شگفت انگیز است و به قول یکی از مقامات بلند رتبه نظامی افغانستان که نخواست از وی نام برده شود طی ملاقات با نگارنده این ستون در کابل اظهار داشت که وی برای مدتی نمائنده وزارت دفاع افغانستان در نیروهای ایساف (ISAF) بود در آن زمان فرماندهی نیروهای ایساف بعهدہ یک جنرال پنج ستاره انگلیس بود که همیشه در رأس میز جلسه حضور می یافت و مرا به حیث نمائنده ای که از اندکترین صلاحیت های یک عضو مساوی الحقوق در ائتلاف جهانی ضد تروریسم بهره مند نبودم مورد خطاب قرار داد و گفت که نیروهای مسلح افغانستان باید برای دفاع از تمامیت ارضی و استقلال کشور به عنوان یک عضو مستقل ائتلاف جهانی ضد تروریسم و القاعده بدون اشتراک نیروهای بین المللی آرام ، آرام امادگی عملی خویش را نشان دهند ، اما در عین حال که برای تحقق دموکراسی و به حق خود ارادیت افغان ها سخت احترام قائل ایم جامعه جهانی و تمامی کشورهای شامل در ائتلاف جهانی ضد تروریسم به یک اکثریت قاطع تصمیم گرفته اند که تا حصول اطمینان از تلاش صادقانه اردوی ملی افغان ، نیروهای مسلح افغانستان **نباید** بر هواپیما های جنگی و اسلحه ای که بنام سلاح ثقیل یاد میشود مجهز باشند !! البته مقامات ارشد نظامی افغانستان اصولاً میتوانند در صورتیکه لازم تشخیص دهند با ارائه پیشنهاد جداگانه بدوستان و همکاران خود در (**ائتلاف جهانی ضد تروریسم و القاعده**) حساب نمایند .!! جالب ترین گزارشی که به نقل از منابع مؤثق نظامی ارتش استرالیا در روزنامه دیلی تیلگراف چاپ استرالیا به نشر رسیده است ، گزارش تربیت و پرورش کماندو های استرالیایی است که در میدان های افغانستان مورد تربیت قرار میگیرند . چنین است که امروز سرزمین ما افغانستان به بزرگترین پایگاه تربیت و آموزش سربازان و ملیشاهای خارجی مبدل گشته است . یکی از عجائبی که در سرزمین افغانستان و در رابطه به مسأله اهرم های قدرت به مشاهده میرسد ، این است که تمامی اهرم های **داخلی قدرت** با فشارهای دراماتیک به شیوه باج دهی و تطمیع به صف بزرگی از بیکاران و مفتخواران تبدیل گشته که در برابر اهرم های **بیرونی** یعنی همان کشورهای شامل در ائتلاف جهانی ضد تروریسم به مثابه یک طبقه ای از شبه تکنوکرات ظاهر گردیده است بناً طبقه ای بوجود آمده که در عین تظاهر بر وحدت عمل که در تشکیلات مافیائی بنام دولت جمهوری اسلامی افغانستان متبلور میگردد ، تمامی امکانات ، خلاقیت ها و استعدادهای بومی و تاریخی خویش را در خدمت بیگانه گان قرار داده اند و برخلاف آنچه که ما تصور میکنیم با گذشت هر روزی از بحران در جامعه ما سپری میگردد بیشتر به گودالی از فاجعه نزدیکتر میشویم و طبیعی است که در مسیر این راه پریپیچ و خطرناک ، نامدارترین مهره های هرم داخلی قدرت از الطافات و نوازشهای مادی و معنوی اهرم های بیرونی بهره مند میگردند ، مضحک ترین و در عین حال شرم آورترین پهلوی این سناریوی که بر صحنه جغرافیای افغانستان به نمایش گذاشته میشود آنگاه برملا گردید که برخی از مخالفین معروف نظام حاکم مافیائی در افغانستان بصورت منظم و در زیر چتر امنیتی نیروهای انگلیس مگر با آرم و نشان نیروهای مسلح وابسته با (وزارت داخله و وزارت دفاع جمهوری اسلامی افغانستان !!) در هواپیما های جنگی مربوط با نیروهای مسلح انگلیس از هلمند قرار گاه و « دارالخلافه !!» اصلی نیروهای بریتانیه بسوی سمت

شمال افغانستان انتقال داده شدند. این عملیات درحالی انجام پذیرفت که بلندترین مقامات امنیتی و اطلاعاتی افغانستان از آن اطلاع نداشتند. و سرانجام پس از آنکه داستان انتقال نیروهای مسلح توسط هواپیمائی های خارجی سرزبان های خاص و عام گردید و شهرهء عالم گشت، جلالتمآب حامد کرزی در کسوت رئیس جمهور «دولت اسلامی افغانستان» مانند همیشه کمیونی راکه از اعضای پارلمان و برخی کارمندان بلند رتبه «دولت جمهوری اسلامی افغانستان» تشکیل گردیده بود موظف ساخت تا گزارش آن را به سمع جلالتمآب کرزی برسانند. البته باید گفت که همین روحیه بی خبری و نا آگاهی از اوضاع مملکت در مورد زمامداران جامعه ما در طول و عرض تاریخ این کشور ادامه دارد و برای نخستین بار آگاهی که یک دربند زندان مخوف نیروهای امریکائی در نزدیکی شهر کابل کشف گردید مطبوعات خارجی بدین سان پرده از یک رسوائی امنیتی را برداشتند و اعلام گردید که يك مزدور امریکایی که به اتهام ربودن و شکنجه افراد مظنون به همکاری با تروریست ها در افغانستان در کابل محاکمه می شود گفت اف.بی.آی صدها کاغذ، عکس و نوار ویدیویی را که نشان می دهد وی در استخدام این سازمان و همچنین سیا و ارتش امریکاست، پنهان می کند. ایده ما **Ayedama** 48 ساله که سابقا از کلاه سبزه های ارتش امریکا بود و دو امریکایی دیگر به نام های «ادوارد کارابالو» و «برت بنت» ماه پیش دستگیر شدند زیرا پلیس در داخل خانه آنان در کابل يك زندان موقتی را کشف کرد. همچنان پس از بازداشت این مزدوران امریکائی آنها اعتراف کردند که به قول روزنامه شرق چاپ تهران وکیل مدافع یکی از سه آمریکایی متهم به شکنجه چندین زندانی افغان در يك زندان خصوصی، روز گذشته یعنی ۲۴ آگست ۲۰۰۴ میلادی و در جلسه سوم دادگاه این اشخاص، يك نوار ویدئویی را تحویل قاضی داد که در آن تصاویری از وزیر سابق آموزش و پرورش افغانستان در حال تبریک گفتن و ارائه پیشنهاد کمک به این آمریکایی ها دیده می شود. در این تصاویر «یونس قانونی»، چهره با نفوذ ائتلاف شمال در حال دیدار با «جاناتان ایدم» رئیس این گروه خصوصی ضد تروریستی و دادن قول کمک به او نشان داده می شود. در این نوار ویدئویی قانونی با انگلیسی دست و پا شکسته می گوید: «ما آماده هرگونه همکاری هستیم. ما هم يك گروه امنیتی کوچک داریم.» نوار ویدئویی دیگری نیز وجود دارد که در آن تصاویری از نیروهای امنیتی وابسته به قانونی در حال حمله به خانه يك مظنون که به ادعای ایدم طرح ترور قانونی را ریخته بوده، دیده می شوند.» چنانچه محترم آقای «محمد یونس قانونی» رئیس مجلس شورای ملی افغانستان این نوع اظهارات را یک توطئه روشن دشمنانی خواند که با نحوی با استخبارات خارجی در ارتباط اند ...

ادامه دارد